

مجموعه مقالات

نخستین نمایش مدیران گروه‌های زبان و ادبیات عربی

دانشگاه های کشور

دانشکده الهیات و معارف اسلامی

دانشگاه شهید چمران اهواز

بهمن ماه ۱۳۸۲

- متابع تدوین نحو عربی و احتیاج ۱۱۹
دکتر قاسم بستانی
- گامی فراتر در آموزش زبان عربی ۱۳۵
دکتر وحید سبزیان پور
- ویژگی‌های یک روش مناسب برای کسب مهارت تکلم و شنیدن ۱۵۱
دکتر فرامرز میرزایی
- مدرس زبان عربی و تدریس نحو ۱۶۵
دکتر صاحبعلی اکبری
- مکاتب نحو عربی ۱۸۵
دکتر قاسم بستانی
- الحلول الجذرية حول مشكلات اللغة العربية و آدابها فی ایران ۲۲۷
دکتر حسین شمس آبادی
- نگاهی به آموزش عربی در فراخ‌ترین عرصه آن ۲۴۳
امیر سلمانی رحیمی
- تأثیر آزمایشگاه زبان بر فرآیند یادگیری زبان عربی ۲۵۱
بتول محسنی راد
- روش تدریس در ادبیات عربی ۲۵۷
دکتر محمدرضا هاشم‌لو

مدرّس زبان عربی و تدریس نحو

دکتر صاحبعلی اکبری

استاد یار دانشگاه تربیت معلم سبزوار

چکیده :

امروزه توجه به آموزش زبان عربی در مراحل مختلف تحصیلی رو به فزونی نهاده است. زیرا علاوه بر اینکه این زبان، زبان وحی و احادیث بزرگان دین می‌باشد و در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر یادگیری آن تأکید شده است، زبان میلیون‌ها انسان نیز می‌باشد. عصر ارتباطات هم توجه به آموزش این زبان را امری ضروری قرار داده است. چون زبان ابزاری است برای برقراری ارتباط میان افراد، پس اهمیت دادن به یادگیری آن اجتناب ناپذیر است. تجربه نشان داده است که در روش‌های سنتی، نقش زبان نادیده گرفته شده و تنها یکسری اصطلاحات خشک و مجموعه‌ای از الفاظ نامأنوس و غیر کاربردی به دانشجویان آموخته می‌شد. اما نگرش نو نسبت به زبان، آن را ابزاری برای فهم جنبه‌های مختلف فرهنگ و ایجاد تفاهم میان افراد می‌داند و آموزش زبان را نیز بر پایه نقش آن در زندگی مورد بررسی قرار می‌دهد. در آموزش زبان عربی آگاهی از دستور زبان عربی (نحو) امری است ضروری؛ زیرا بدون تسلط کافی بر نحو، آموختن سایر علوم عربی نیز دچار مشکل می‌شود. در این نوشتار پس از بررسی نقش مدرّس زبان عربی و اهمیت درس نحو در آموزش زبان عربی یک نمونه تدریس عملی برای این درس نیز ارائه شده است. امید آنکه مورد استفاده قرار گیرد.

کلید واژه: مدرّس، زبان عربی، نحو، دانشجو، دانش آموز.

مقدمه

امروزه توجه به آموزش زبان عربی در مراحل مختلف تحصیلی رو به فزونی نهاده است. زیرا علاوه بر اینکه زبان قرآن و حدیث می‌باشد و در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز بر یادگیری این زبان تأکید گردیده است، زبان میلیون‌ها انسان نیز می‌باشد. زبان در زندگی فرد نقش بزرگی دارد. زیرا انسان آن را برای بیان احساسات و اندیشه‌های درونی خود بکار می‌گیرد. زبان ابزار ارتباط انسان با دیگران است و با این ارتباط است که هدف‌ها و نیازهای مورد نظر خود را محقق می‌سازد. زبان برای فرد فرصت‌های زیادی را بوجود می‌آورد، تا فرد از جهان اطراف خود آگاه شده و به اصلاحات و اندیشه‌های خود بپردازد. زبان بر کنترل اندیشه و دقت کمک می‌کند. زیرا اندیشه بدون یادگیری الفاظ دال بر معانی انجام نمی‌گیرد، و به خاطر همین است که گفته‌اند: اندیشه کلام باطنی است و کلام اندیشه‌ی ظاهری^۱

زبان ابزاری برای نشر فرهنگ میان افراد و جامعه و انتقال آن از نسلی به نسل دیگر می‌باشد. بنابراین اولین ابزار برای آموزش، زبان می‌باشد. از راه زبان است که انسان از تجربه‌های دیگران استفاده می‌کند و توان انتقال دانش را از فردی به فردی و از نسلی به نسلی پیدا می‌کند.

نگرش نو به آموزش زبان

در زمان‌های گذشته به زبان بعنوان یک ماده درسی که هدف، یادگیری آن بود، نگرش می‌شد. آموزش و پرورش سنتی نقش زبان را نادیده گرفته و مرئوس شتابان‌های زیادی شده بود. از جمله اشتباهات این بود که یکسری اصطلاحات خشک و مجموعه‌ی از الفاظ نامأنوس و غیر کاربردی در خواندن و نوشتن را در قالب متن‌هایی می‌آورد تا دانش‌آموزان آن‌ها را حفظ کنند و به همان صورت روی کاغذ آورده و نمره بگیرند.^۲

در روش‌های سنتی دانش‌آموزان وادار می‌شدند آنچه را با زبان کاربردی همخوانی نداشت، حفظ کنند. این کار موجب خستگی و نفرت آن‌ها را نسبت به آموزش زبان بوجود می‌آورد؛ آموزش و پرورش جدید در کشورهای پیشرفته، نسبت به زبان نگرش دیگری دارد و آن را ابزاری می‌داند که در فهم جنبه‌های مختلف فرهنگ به فرد کمک

می‌کند و زبان را وسیله‌ای برای برقراری ارتباط و تفاهم میان انسان‌ها می‌داند. پایه و اساس این نگرش دو چیز است:

۱- زبان ابزاری است اجتماعی برای تفاهم میان افراد.

۲- لازم است آموزش زبان بر پایه اهمیت و نقش آن در زندگی آموخته شود؛ زیرا در حقیقت دانش آموز چیزی را که در زندگی بدان نیاز دارد، می‌آموزد.

بی تردید زمانی که مدرس این امور را درک کند، روش سستی خود را تغییر داده و شاگردان را در جهت آموختن زبان کاربردی صحیح - نه حفظ قواعد، تعریفات و تقسیم‌ها - راهنمایی خواهد کرد. همچنین مثال‌های خوبی انتخاب خواهد کرد و با هدایت دانش‌آموزان به سوی استفاده از تعبیرات خوب، آموختن زبان را یک لذت، تغذیه درسی و برخوردارگی از جنبه‌های زیبا شناختی قرار خواهد داد.

مراحل یادگیری زبان

در مورد مراحل یادگیری زبان کافی است به یک مورد ساده اشاره کنیم:

یک کودک در خانواده ابتدا کلمات و جملات را از پدر، مادر و اطرافیان می‌شنود (مرحله شنیداری) و این کلمات را در حافظه خود جای می‌دهد، مدت‌ها این کلمات تکرار می‌شود تا حدی که پرونده‌ای از کلمات و عبارات‌های مختلف در ذهن کودک تشکیل می‌گردد. سپس کودک همان ذخیره‌های ذهنی را بتدریج بر زبان می‌آورد (مرحله گفتاری) و سال‌ها این کار را انجام می‌دهد تا اینکه به سن آموزش می‌رسد و وارد مدرسه می‌شود. در مدرسه نیز کلماتی را که شنیده بود و بر زبان آورده بود، اینک آن‌ها را می‌خواند (مرحله خواندن) و می‌نویسد (مرحله نوشتاری). بنابر این مراحل یادگیری بدین ترتیب خواهد بود: شنیداری - گفتاری - خواندن و نوشتن.

اما به نظر می‌رسد در آموزش و پرورش و در برخی از دانشگاه‌های ما ترتیب این مراحل نادیده گرفته شده و از همان آغاز آموزش زبان، تکیه بر قواعد و حفظ آن‌ها شده و مراحل دیگر فراموش می‌گردد.^۳

ویژگی‌های مدرّس زبان عربی

مدرّس زبان عربی در نوع خود از امتیارات ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا وی به پررنگترین وظیفه و با ارزش‌ترین رسالت می‌پردازد. وظیفه‌ای که او انجام می‌دهد، آموزش زبان قرآن است. وی ز راه آموزش زبان قرآن، نقش بزرگی را ایفا کرده و نسلی را بوجود می‌آورد که علاوه بر یادگیری یک زبان، به مقدّمات و اعتقادات دینی و مذهبی نیز پایبند می‌شود. بنابراین مدرّس زبان عربی، هم مدرّس است و هم بوجود آورندهٔ یک نسل معتمد. ویژگی‌های مدرّس زبان عربی را می‌توان به شرح ذیل خلاصه کرد:

- ۱- لازم است. مادهٔ درسی خود را دوست داشته باشد و بدان فتخار کند. تا این علاقه به دانش‌آموزان و دانشجویان نیز منتقل گردد.
- ۲- در مادهٔ درسی که آن را تدریس می‌کند تسلط کافی داشته باشد.
- ۳- مدرّس زبان عربی باید دارای اطلاعات و آگاهی‌های لازم باشد.
- ۴- مدرّس زبان عربی باید تلفظ درست کلمات و عبارات را بداند؛ تا دانش‌آموزان و دانشجویان نیز تلفظ درست را یاد بگیرند لازمهٔ این کار، تسلط مدرّس زبان عربی بر قرآن و تجوید قرآن کریم است.
- ۵- مدرّس زبان عربی باید بداند که وی راهنما و مرشد است و دانش‌آموزان و دانشجویان خود را به منابع و کتاب‌های مربوط به آموزش زبان عربی راهنمایی کرده و آنان را به مسیر درست یادگیری سوق دهد.
- ۶- لازم است که مدرّس زبان عربی دارای آثار بوده و حتی در تألیف کتابهای درسی نقش داشته باشد.
- ۷- مدرّس زبان عربی باید در زبان و ادبیات زبان مادری خود نیز تسلط داشته باشد؛ زیرا بدون دانستن زبان مادری، انتقال مطالب بصورت مطلوب انجام نمی‌گیرد.

مسئولیت و نقش مدرّس

مدرّسی و معلّمی مسؤولیت بس خطیری است. هر مدرّس باید عظمت این مسؤولیت را درک کرده و در کار خود اجلاس داشته باشد. عظمت مسؤولیت یک مدرّس کمتر از یک پزشک نیست. اگر یک پزشک در کار خود سهل‌انگیزی کند و بدون آگاهی دست به معالجهٔ بیمار بزند، نه تنها بیمار را بهبود نخواهد بخشید، بلکه بیمار را نیز از بین خواهد

رد. یک کشاورز نیز هر گاه در کار خود سهل انگاری کند، کنت خود را از بین خواهد برد. اما معلم اگر در کار خویش کوتاهی و سهل انگاری کند، دانش آموز خود را هم از ناحیه عقل و هم از ناسیه روح نابود کرده و به آموزش و پرورش غلط او اقدام کرده است. معلم امانت دار مرده است؛ وی از یک طرف در مقابل مردم و از طرف دیگر در برابر دولت مسؤول است. چون مردم انتظار دارند فرزندانشان وقتی یک سال یا نیم سال تحصیلی را پشت سر می گذارند، از نفس عقلمی و روحی پرورش یافته و چیزی به معومات آنان افزوده شده باشد، اما اگر آنان بیمار و یا اخلاق ناپسند به خانواده برگردند، مردم و دولت حق دارند معلم و مدرس را بازخواست کنند. از طرفی هم اگر مدرس مسؤولیت خود را خوب انجام داد، بر مردم و دولت لازم است از او حمایت کنند و او را کاملاً مجهز سازند، زیرا تجربه نشان داده است که تشویق و تیبیه در هر مرحله نقش ساسی دارند. برای نشان دادن نقش معلم به یک نمونه تاریخی اشاره می کنیم:

در قرن نوزدهم در جگی که برای آلمان پیش آمده بود، دانشمندان آلمان را به مدترین شیوه شکست داده و حکومت را کملاً از دست آنان گرفته و نسامی اختیارات را در سینه خود قرار داده بود. مسئله آموزش و پرورش را بر عهده خودشان گذاشته بود. در این هنگام آلمانی ها دریافتند که چگونه او سهل انگاری دشمنان خود در این مسأله ای مهم بهره برداری کنند. در این هنگام، هیخته رئیس دانشگاه برلین و فیلسوف معروف، هشتمی سست را تحریک کرد و مردم آلمان را به بهبودی وضعیت فراخواند. وی تأکید می کرد که آموزش و پرورش از بزرگترین عوامل است آن مرسی بزرگ، اعتماد آلمانی ها در آن زمان جلب کرد و آنان او را با تلاش و جدیت پشتیبانی کردند دیگری گذشت که ستاره آنان دوباره درخشید و آرزوهای ملی شان تحقق یافت. آنگاه او دشمنان سخت انتقام گرفتند. در آن هنگام بود که گفتند ما با معلم مدرسه بر دشمنان خود پیروز شدیم.

ما نیز اگر بخواهیم بر دشمنان خود پیروز شویم باید روی معیسم و مدرسی سرمایه گذاری کنیم، زیرا معلم است که با روشن ساختن فرد جامعه، آنان را در برابر تهاجم فرمگی دشمنان - که به مراتب از تهاجم نظامی بدتر است - آگاه ساخته و راه مقابله با آن را فراهم می سازد.

مدرس و طرح درس

طرح درس در موفقیت معلم و مدرس نقش بسزایی دارد. اگر مدرس در ماده درسی خود قوی هم باشد، بی نیاز از آمادگی برای درس نیست. اگر چه مدرس تجربه زیاد و سابقاً تدریس داشته باشد، تجربه نشان داده است که طرح درس برای تمامی معلمان و مدرسین در تمامی سطوح یادگیری امری است اجتناب‌ناپذیر. بسیاری از مدرسین که طرح درس را نادیده گرفتند، در برابر دانش‌آموزان و دانشجویان خود مورد انتقاد قرار گرفته و در نهایت به تزلزل شخصیت و موقعیت او در امر آموزش انجامیده است.

مدرسی که ارزش خود را بداند - اگر چه مقام و دانش وی در سطح بالایی باشد - بدون اینکه خود را برای درس آماده کرده باشد، وارد کلاس نمی‌شود و بی بدین ترتیب مشکلاتی را که سر راهش قرار می‌گیرد، برطرف می‌کند و مطمئن می‌شود که تدریس او چون همراه با دقت و بررسی بوده برای شاگردان مفید خواهد بود. وی با این کار از یک طرف نسبت به شغل خود وفادار بوده و از طرفی دیگر باعث ارزشمندی شخصیت خود شده است. در این صورت است که وی همانند کوه استوار ظاهر خواهد شد و با گام‌های ثابت از مرحله‌ای به مرحله دیگر با روشی مشخص منتقل شده و هیچ خطا و اشتباه و با تکرار و لکتت از او سر نخواهد زد.

فواید طرح درس

طرح درس فواید زیادی دارد که می‌توان به شرح ذیل به پاره‌ای از آن‌ها اشاره کرد:

۱- طرح درس، معلم و مدرس را وادار می‌کند تا به ماده درسی خود مراجعه کرده و در مطالب خود ثابت نظر باشد. همچنین او را وادار می‌کند تا برای اطمینان، به منابع و مآخذ مراجعه نماید.

۲- طرح درس، زمینه را برای مدرس فراهم می‌سازد تا معلومات خود را آن چنان مرتب و منظم کند که با مراحل مختلف درس هماهنگی داشته باشد و مجبور نشود که جمله یا مثالی را روی تخته بنویسد و پس از آن مشاهده کند که آنچه نوشته، نامناسب است، و در نتیجه برگردد و تمامی آن‌ها را پاک کند، یا مطالبی را ذکر کند سپس آن را عوض کند.

۱۲- طرح درس، روش مناسب را مشخص کرده و هنگام تدریس، مدرس را در تجربه‌های خود غافل گیر نمی‌سازد؛ بلکه راهی را ترسیم می‌کند که معلومات متناسب با سطح دانش‌آموزان و هماهنگ با موضوعات درس ارائه گردد.

آماده سازی طرح درس

مدرس قبل از اینکه درس روزانه خود را آماده کند، لازم است از ابتدای سال تحصیلی، ماده‌ی درسی را بر تعداد جلسات تقسیم کند. روزهای تعطیل را در نظر گرفته و زمانی را نیز برای مرور کردن اختصاص دهد. بعد از این تقسیم‌بندی نوبت به طرح درس می‌رسد که بر اساس مراحل زیر انجام می‌گیرد:

- ۱- آماده کردن و گزینش مواد درسی طوری باشد که برای دانش‌آموز مناسب بوده و با روش، هماهنگی داشته باشد، اشتباه و خطا در آن نوده و مطابق با کتاب تنظیم گردد. البته نه اینکه سرسپرده مطالب کتاب باشد؛ بلکه در بعضی موارد معلم به مطالب کتاب می‌افزاید، آن‌ها را شاخ و برگ می‌دهد و باعث غنای علمی کتاب می‌گردد.
- ۲- روش مناسب را برای تدریس انتخاب کند، مراحل تدریس را چنان رعایت کند که مقدمه، ارائه، بحث و گفت و گو، ربط و کاربرد را در بر داشته باشد.
- ۳- ابزار و وسایل کمک آموزشی مورد نیاز از قبیل: نمونه‌ها، کتاب‌ها، رادیو ضبط، فیلم و... را مورد استفاده قرار دهد. زیرا دانش‌آموز و دانشجو هر قدر از حواس بیشتری استفاده کنند، یادگیری سریع‌تر و بهتر انجام خواهد گرفت.^۵

جایگاه علم نحو در میان سایر علوم ادبی

در شمارش علوم ادبی اختلاف نظر وجود دارد. برخی تعداد آن‌ها را ۱۲، برخی ۱۳ و برخی ۱۴ علم دانسته‌اند. این علوم عبارتند از: لغت، اشتقاق، صرف، نحو، معانی، بیان، اشعار، عروض، قافیه، قرض الشعر، خط و تاریخ ادبیات. در این میان بدیع را چون از توابع بلاغت است، ذکر نکرده‌اند. در دو بیت زیر به نام‌های این علوم اشاره شده است:

نحو و صرف، عروض، بد لفة ثم اشتقاق، قریض الشعر انتباه
 کذا المعانی بیان الخط قافية تاریخ. هذا لعلم العرب احصاء^۶

در این شعارش علم نحو را از جمله علوم مربوط به زبان دانستند. در الوسیط نیز آمده است: «علوم العربیه العلوم المتعلقة باللغة العربیة» کالنحو و الصرف و المعانی و البديع و الشعر و الخطبة و تسمى بعلم الأدب»^{۱۱}

در لسان العرب آمده است: «النحو: اعراب الكلام العربی، و النحو: الفصد و التقویح. یكون طرفاً و یكون اسماً. نحاء بنحوه و ینحاء نحواً و ینحاه. و نحو العربیة منه النحاء»^{۱۲} سمیت کلام العرب فی تصرفه من اعراب و غیره کالتثنیة و الجمع و التحفیر و التکبیر و الاضافة و السب و غیر ذلك لیلحق من لیس من أهل اللغة العربیة بأهلها فی الفصاحة فیطلق بها و لا یم یکن منهم، او ان شذ بعضهم عنها رد به الیهاد»^{۱۳}

در میان این علوم اهمیت صرف و نحو بر کسی پوشیده نیست. شیخ مصطفی غلابی نیز پس از نام بردن علوم عربی، به اهمیت صرف و نحو تصریح کرده است: «زیرا علم نحو موجب جلوگیری از خطا و اشتباه در زبان می‌گردد و سبب ترتیب در تمامی علوم دخیل است. مثل معروف می‌گوید: النحو فی الکلام کالملیح فی الضعاف» از اینجاست که ضرورت این علم کاملاً روشن می‌گردد.

از آنجایی که علم نحو پایه و اساس در یادگیری زبان شعار می‌رود، در بسیاری از دانشگاه‌های کشورهای عربی، یادگیری این علم را در سایر رشته‌ها نیز که به نحوی با نحو سر و کار دارند، گنجانده‌اند. برای مثال در دانشگاه ملک سعود در عربستان، درس نحو در رشته‌های تبلیغات و زبان‌های خارجی تدریس می‌گردد.^{۱۴}

در تحصیلات تکمیلی نیز در مراحل فوق لیسانس و دکتری، نحو را صورت یک تخصص می‌آموزند. برای نمونه این تخصص با عنوان النحو و اللغة در دانشکده ادبیات این دانشگاه تدریس می‌گردد.^{۱۵} در آموزش نحو در این دانشکده با تأکید بر مهارت‌های یادگیری، آمده است: «يقوم هذا المقرر (۱۰۴ درج) تعریفاً بأهم طرق و أسالیب تدریس اللغة الثانیة، مع التركيز علی تدریس مهارات اللغة العربیة (الاستماع، القراءة، و الكتابة) و علی عناصرها اللغویة (لاصوات، المفردات و قواعد)»^{۱۶}

کاربرد نحو در سایر مواد درسی:

در تدریس هر کدام از مواد درسی رشته‌های زبان و ادبیات عرب، نحو دخیل است. زیرا تا زمانی که ساختار جمله درست نباشد چیزی از آن فهمیده نمی‌شود. اینک مرور کوتاهی داریم بر اهمیت نحو در برخی از دروس:

۱- مکالمه تا زمانی که یک دانشجو کاربرد درست کلمات و نقش نحوی آن‌ها را نداند، نمی‌تواند درست صحبت کند. مگر اینکه یکسری جملات و عبارات‌هایی را که در کتاب‌ها نوشته شده است، حفظ کند. بدون اینکه بداند چرا کلمه‌ای مرفوع است و چرا نکره‌ای را باید منصوب بخواند. تجربه نشان داده است که حفظ مطالب، بدون آگاهی از چون و چرای آن بی‌فایده بوده و بزودی از حافظه پاک می‌شود.

۲- انشاء مراحل آغازین انشای عربی با جمله‌سازی شروع می‌گردد. تا دانشجو جملات اسمیه و فعلیه و ارکان هر کدام را تشخیص ندهد، چگونه می‌تواند جمله درسی سازد؟

۳- ترجمه اگر یک مترجم و یا دانشجو برای مثال فاعل و مفعول و بسا فعل لازم و متعدی را تشخیص ندهد، عبارت را بدون دانستن نقش کلمات چگونه ترجمه می‌کند تا منظور نویسنده را درست برساند؟

۴- تاریخ ادبیات و متون نظم و نثر بدون آگاهی از علم نحو، نه می‌توان متن مربوط به شرح حال، ادبا و شعرا را درست خواند و نه می‌توان شعر و آثار آن‌ها را فهمید. ما در تاریخ ادبیات و متون نظم و نثر نیاز به تحلیل داریم کسی که در درست خواندن عبارات‌ها معاند، چگونه می‌توان از او انتظار تحلیل داشت؟

۵- بلاغت در بخش معانی تا کسی فاعل، نائب فاعل، مبتدا، اسماء تواسخ، مفعول اول فعلی‌های قلبی، دو مفعولی و مفعول دوم فعل‌هایی سه مفعولی را نتواند تشخیص دهد، چگونه می‌تواند مستثابیه را بشناسد؟ کسی که در تشخیص ارکان اصلی کلام در بلاغت (مستند و مستثابیه) مشکل داشته باشد، چگونه می‌توان از او انتظار فهم مسائل ریز بلاغی را داشت؟ در بیان و بدیع نیز وضع چنین است. در حقیقت نحو پیش‌نیاز بلاغت است؛ اگر چه برنامه‌ریزان آموزش عالی این مهم را نادیده گرفته و در سر فصل دروس به این امر توجه نکرده‌اند.

در سایر دروس نیز از قبیل: روزنامه‌ها و مجلات عربی، قرائت متون تفسیری، قرائت متون عرفانی و... بدون آگاهی کافی و واقعی از علم نحو، نمی‌توان فهم درست از عبارات‌ها را داشت.

روش‌های تدریس نحو

با یک نگاه اجمالی به کتاب‌های نحوی و روش‌های بکار رفته در آن‌ها می‌توان دو روش را در تدریس نحو مورد بررسی قرار داد:

۱- در یک روش، مدرس ابتدا قواعد نحوی را توضیح داده سپس مثال‌هایی را ذکر می‌کند، مانند روش‌های بکار رفته در کتاب‌های شرح ابن عقیل، مبادئ العربیة و الیهجة المرضیة.

۲- در روش دوم ابتدا مثال‌ها را با دسته‌بندی‌های خاص آورده پس از آن به توضیح مثال‌ها می‌پردازد؛ سپس خلاصه‌ای از قواعد مطرح شده را ذکر کرده و در پایان، تمرین‌هایی را می‌آورد، مانند روش بکار رفته در کتاب النحو الواضح.

به نظر می‌رسد روش دوم به مراتب از روش اول بهتر است؛ زیرا یک قاعده چهار مرتبه به شکل‌های مختلف و متنوع بیان می‌گردد. این روش باعث تنوع تکرار، از اهمیت خاصی برخوردار است. نگارنده این‌سطور در مدت شانزده سال تدریس و تجربه دانشگاهی هر دو روش را بکار برده و دریافته است که روش دوم نتیجه مطلوبی داشته است. لذا با در نظر گرفتن روش دوم در پایان این مقال، یک نمونه تدریس عملی ارائه خواهد شد. اما قبل از ارائه این نمونه تدریس، لازم است به مراحل تدریس و زمان‌بندی این درس نگاهی بیندازیم. اگر یک جلسه تدریس نحو را نود دقیقه در نظر بگیریم، زمان بندی ارائه آن بدین ترتیب خواهد بود.

۱- مقدمه : ۵۵ دقیقه

۲- ارائه درس : ۵۰ دقیقه

۳- ربط : ۵ دقیقه

۴- نتیجه‌گیری : ۵ دقیقه

۵- کاربرد و تمرین ۱۵ دقیقه

۶- حضور و غیاب : ۱۰ دقیقه

مدرس می‌تواند حضور و غیاب را در آغاز، پایان و یا وسط درس انجام دهد، اما به نظر می‌رسد اگر در وسط درس باشد، موجب رفع خستگی مدرس و دانشجویان خواهد بود.

هدف از درس نحو

خواندن قواعد نحوی خود هدف نیست؛ بلکه وسیله‌ای است برای تقویت زبان و جلوگیری از خطا و لغزش. برای رسیدن به این هدف رعایت موارد زیر الزامی است:

۱- در قواعد نحوی، مثال‌ها و تمرینات از متون ادبی ساده و با عبارات‌های زیبا طوری انتخاب شود که موجب تقویت و گسترش فرهنگ و دانش دانشجویان شود. در کنار توضیح این قواعد، انتخاب و شرح مثال‌ها بر اساس علاقه و میل دانشجویان انجام گیرد تا فعالیت و مشارکت آنان را در درس برانگیزد.

۲- در ارائه درس به هدف اساسی نحو که همان حفظ و نگهداری زبان از خطا و لغزش است، اکتفا شود و مدرس خود و دانشجویان را با ذکر مسائلی که ارتباط مستقیم با هدف مورد نظر ندارد، به زحمت بیندازد.

۳- مدرس نباید در درس قواعد تنها به بررسی مثال‌ها و استخراج قواعد و وارد کردن آن‌ها به ذهن دانشجویان اکتفا کند؛ بلکه لازم است تمرینات شفاهی مبتنی بر نظم و ترتیب را به طور مکرر و زیاد مطرح کند تا مسائل زبان به طور صحیح در دانشجویان به صورت عادت دوآید و جای سخن نادرست را بگیرد.

بنابر این خواندن قواعد امری است واجب که زبان و قلم ما را از لغزش در مقابل زبان عامیانه باز می‌دارد؛ ولی نباید با شرح و تفصیل در آن، دانشجویان را به رحمت بیندازیم و گمان کنیم که آن ابزاری مفید برای بالا بردن توان آنان در بیان مسائل مربوط به زبان می‌باشد. چرا که اساس تدریس قواعد ارائه مثال‌ها، بررسی آن‌ها، ربط دادن آن‌ها به یکدیگر، استخراج احکام کلی و کاربرد آن‌ها می‌باشد.^{۱۳}

مراحل تدریس نحو

۱- مقدمه :

روش بیان مقدمه به نوع مثال‌ها بستگی دارد و معمولاً با طرح پرسش‌هایی بی‌سبب و اطلاعات قبلی مرتبط با درس شکل می‌گیرد در صورتی که از متر کسکی برای استخراج مثال‌ها استفاده می‌شود. مقدمه‌ای برای موضوع بیان می‌شود و در صورتی که متن مورد نظر در کتاب باشند، روی تخته نوشته می‌شود. بعد از آن از دانش‌آموزان و دانشجویمان خواسته می‌شود آهسته آن‌ها را بخوانند و پس از آن در معنای کلی آن بحث کنند.

۲- ارائه مثال‌ها:

این مرحله به یکی از روش‌های قبلی انجام می‌گیرد در حالت بکارگیری متر کسکی، پرسش‌هایی در مورد متن از دانشجویمان می‌شود تا پاسخ آن‌ها به عنوان مثال‌های مناسب برای درس باشند. برای صرفه‌جویی در وقت، خود مدرس می‌تواند این مثال‌ها را مستقیم از متن استخراج کند. سپس مثال‌ها را تدریج و یا یکجا در سمت راست تخته و در بالا به طور منظم بنویسد و زیر کلمات مورد نظر خط کشیده و حرکات آخر آن‌ها را مشخص کند. همچنین می‌تواند کار خط کشیدن زیر کلمات و مشخص کردن حرکات آخر آن‌ها را به زمان مباحثه موکول کند. اگر در ارائه مثال‌های متعدد از یک نوع در متن نتوانست کمک کند، در این صورت مدرس می‌تواند مثال‌های استخراج شده از متن را با مثال‌های دیگر که خودش ذکر می‌کند، در هم آمیزد.

۳- مقایسه :

در این مرحله که مرحله مباحثه یا ربط نامیده می‌شود، مثال‌ها طوری مورد بحث قرار می‌گیرند که در بر دارنده ویژگی‌های مشترک و مختلف میان جمله‌ها باشند این مرحله شامل نوع کلمه، اعراب آن، نقش آن در معنا و موقعیت آن در مقایسه با سایر کلمات می‌شود. در مقایسه دسته‌ای از مثال‌های مختلف که تمامی آن‌ها در رسیدن به قاعده مورد نظر باشند آورده می‌شود. بدیهی است که روش مقایسه با احتیاط موضوعات، متفاوت خواهد بود.

۴- استنباط :

پس از پایان مرحله مقایسه و بیان اشتراکات و اختلافات موجود در مثال‌ها، مدرس می‌تواند دانشجویان را در استنباط قاعده مورد نظر - پس از ارائه نام اصطلاحی جدید - سهیم کند. ولی در استفاده از اصطلاحات نباید زیاده روی کند. پس از اینکه قاعده در ذهن و زبان دانشجویان جایگاه خود را گرفت، می‌توان آن را روی تخته و در بربر مثال‌ها نوشت و از یک دانشجو خواست تا آن را بخواند. همین طور لازم است مدرس از بعضی از دانشجویان بخواهد قاعده را از کتاب بخواند. تا ترکیبات سخت را توضیح دهد و به مثال‌های نوشته شده روی تخته تطبیق دهد.

۵- کاربرد و تمرین :

این مرحله، نتیجه عملی درس است و درای دو نوع جزئی و کلی می‌باشد. تمرین جزئی به دنبال استنباط هر قاعده و قبل از انتقال به قاعده دیگر صورت می‌پذیرد ولی کاربرد کلی پس از پایان تمامی قواعد مربوط به درس انجام می‌گیرد در تمرین و کاربرد، مدرس باید آن‌ها را از ساده به مشکل بیان و به روش زیر عمل کند:

الف) مدرس جمله‌های کامل یا متن، کوناهمی را که تمرین مورد نظر در آن باشد، ارائه کند و از دانشجویان بخواهد تا مطلب مورد نظر را مشخص کنند. مثلاً از آن‌ها خواسته شود: ظرف به جان را در جمله یا متن داده شده تعیین کند.

ب) جمله‌های ناقص را ارائه کند و از دانشجویان بخواهد با کلمه مورد نظر، آن‌ها را کامل کنند.

ج) کلماتی را ارائه کند تا دانشجویان در جملاتی آن‌ها را بکار برند.

د) از دانشجویان خواسته شود جمله‌های کاملی را بسازند که با قاعده درس تدریس شده تطبیق داشته باشند.

تأکید می‌کنیم، درس قواعد در صورتی نتیجه بخش خواهد بود که تمرین روایی روی آن انجام گیرد. صرف فهمیدن قواعد توسط دانشجویان در اینکه این قواعد در اسان بصورت عادت در بیاید، کافی نیست. زیرا عادت در صورتی پایدار خواهد بود که زیاد تکرار شده باشد. بنابراین لازم است مدرس بطور مداوم به تمرین و کاربرد روی آورد.

پس از تأکید بر کلیه موارد یاد شده، اینکه یک نمونه تدریس عملی قواعد با رعایت مراحل تدریس ارائه می‌گردد:

تدریس عملی قواعد
(موضوع تأکید فعل با نون)

مثال‌ها: ۱

= الف

وَحَقُّكَ لَأَخْدَمَنَّ الْوَطْنَ	- وِ حَقُّكَ لَأَخْدَمَنَّ الْوَطْنَ
وَأَنَّهُ لَأَقُومَنَّ بِسَواجِيهِ	- وَأَنَّهُ لَأَقُومَنَّ بِسَواجِيهِ
لَأَسَاعِدَنَّكَ	- لَأَسَاعِدَنَّكَ

= ب

إِنَّمَا تُسَافِرُنَّ تَتَفَلَّمَنَّ	- إِنَّمَا تُسَافِرُنَّ تَتَفَلَّمَنَّ
لَيَسْرُخَنَّ الْمَسْكِينُ	- لَيَسْرُخَنَّ الْمَسْكِينُ
هَلْ تُسَافِرُ فِي الصَّيْفِ؟	- هَلْ تُسَافِرُ فِي الصَّيْفِ؟
لَا تُكْثِرَنَّ مِنَ الْجِدَالِ	- لَا تُكْثِرَنَّ مِنَ الْجِدَالِ

= ج

سَاعِدِ الْفُقَرَاءَ	- سَاعِدِ الْفُقَرَاءَ
اِقْتَصِدْ فِي النِّفَاقِ	- اِقْتَصِدْ فِي النِّفَاقِ

۱- مقدمه: ۵ دقیقه

مدرس ابتدا در مورد انواع اسلوب‌های کلام سخن می‌گوید، سپس در مورد اسلوب امر و نهی صحبت می‌کند و سخن گفتن در مورد سایر اسلوب‌ها را با ذکر مثال بر عهده

- دانشجویان می‌گذارد و پس از آنکه میزان فهم آنان را در مورد شرط، قسم، تعجب، مدح و ذم مورد ارزیابی قرار داد، آنان را به بحث تاکید می‌رساند. این کار با ذکر یک یا چند جمله که دارای تاکید باشند به شکل زیر انجام می‌گیرد: جاء الطلابُ كلهم، لا، لا اقرب الظلم، الشجاع الشجاع

سپس سؤالاتی در مورد مفعول مطلق و موارد استفاده آن مطرح می‌کند و می‌گوید: قاتلوا قتالاً عتيفاً، در اینجاست که دانشجویان را متوجه یک مطلب می‌کند و آن اینکه اسلوب دیگری نیز برای تاکید وجود دارد و آن عبارت است از تاکید با نون. در اینجا، بازگشت به بحث بنای افعال ضروری است، تا دانشجویان بخوبی، منسب بر فصح بودن فعل‌های مضارع و امر را بفهمند.

۲- ارائه درس : ۵۰ دقیقه

با خواندن مثال‌های نوشته شده بر تخته بشکل زیبا، این مرحله آغاز می‌گردد. سپس آگاهی از معانی بعضی از کلمات جهت فهم بهتر مثال‌ها، انجام می‌گیرد. آن گاه مدرس با شرح پرسش‌هایی، هدف از استعمال (و حقیقاً لاخذمن، و الله لا تومن و ناله لاساعدن) را در مثال‌های دسته اول، روشن می‌کند. مثلاً می‌یرسد فعلی که بعد از قسم آمده است، چه نوع فعلی است؟ و پاسخ می‌دهد، که فعل مضارع می‌باشد. با این گونه پرسش‌ها، مدرس سعی می‌کند توضیح حالت فعل را کامل کند. از این مثال‌ها دانشجویان استنباط می‌کنند که فعل، مضارع مثبت است. بر آینده دلالت می‌کند و بین قسم و لام هیچ فاصله‌ای وجود ندارد. این کار از راه استنتاج و از طریق پاسخ‌های آنان بر پرسش‌های مشخص انجام می‌گیرد:

الف - جملات دسته اول با چه چیزی آغاز شده‌اند؟

ب - نوع فعل بعد از قسم چیست و بر چه چیزی دلالت می‌کند؟

ج - در اول و آخر فعل چه چیزی است؟

در اینجا مدرس، شرط وجوب در تاکید فعل مضارع با نون را مشخص کرده و در گوشه‌ای از تخته می‌نویسد، سپس دانشجویان را به قسمت دوم مثال‌های دسته اول متقل می‌کند. در اینجا است که دانشجویان در می‌یابند که چرا فعل‌های این بخش، با نون تاکید

نشده‌اند؛ چون شرایط ذکر شده هـ دانا نیستند، پس نمی‌توانند تأکید شوند (و حقیقاً $\text{لَسَوْفَ أَتُخَدِمُ، وَ إِلَهُ لَأُفُومُ، تَاللهِ لَأَسَاعِدُكَ}$).

مدرس به مثال‌های دسته دوم منتقل می‌شود و آن‌ها را با در نظر گرفتن اسلوب شرط در مثال اول، امر در مثال دوم، استفهام و نهی در مثال‌های بعدی می‌خواند، سپس بر می‌گردد و در مورد معنای (إمّا) و اینکه از چه اجزایی تشکیل شده و چه فایده‌ای دارد، از دانشجویان سؤال می‌کند تا به این نتیجه برسند که از اسلوب‌های شرط است و این در دعاء ادغام شده است. پس از آن مدرس توجه دانشجویان را به فعلی که بعد از این ادوات آمده است جلب می‌کند: نوع آن چیست؟ ماضی است یا مضارع و یا امر؟ در آخر آن چه چیزی وجود دارد؟ در این میان در مورد اعراب نون تأکید و مبنی بودن فعل مضارع در هنگام اتصال به آن، سؤال می‌کند. پس از این پرسش‌ها از طریق دانشجویان، قاعده مربوط به مثال‌های این دسته را استخراج و با رعایت مقررات قبلی (هر گاه فعل مضارع مسوق به إمّا لام امر لای نهی و یا استفهام باشد، تأکید آن با نون جایز است) روی تخته می‌نویسد، سپس با مقایسه مثال‌های درست دسته دوم (جایز است) را در کنار آن‌ها می‌نویسد. همین روش در مثال‌های دسته آخر نیز با هر دو نوعش ادامه پیدا می‌کند و پس از آن دانشجویان جایز بودن تأکید فعل امر یا نون را فهمیدند، این قاعده همراه دو قاعده قبلی نوشته می‌شود.

۳- ربط : ۵ دقیقه

مدرس به سرعت آنچه را از دانشجویان پیرامون مبنی بر فتح بودن فعل مضارع و امر و نیز در مورد تعریف نون تأکید و روش تأکید مضارع و امر با آن، استنباط کرده است، تکرار می‌کند و مثال‌های درس را اینگونه توضیح می‌دهد؛ در مثال‌های دسته اول تأکید فعل مضارع واجب، در مثال‌های دسته دوم جایز و در مثال‌های دسته سوم تأکید امر جایز است. اینجاست که امتناع فعل ماضی یا نون تأکید، توسط دانشجویان استنباط می‌شود.

۴- نتیجه‌گیری : ۵ دقیقه

دوباره بازگشت به استنباط قاعده توسط دانشجویان صورت می‌گیرد. مدرس از یک دانشجو می‌پرسد: در چه صورتی تأکید فعل واجب است؟ مدرس هماهنگ با دانشجویان

در خلال پاسخ دادن، حرکت می‌کند و به طور مختصر به مثال‌ها اشاره کرده و می‌گوید: تأکید فعل مضارع با نون در صورتی واجب است که: ۱- مسبوق به قسم باشد. ۲- مثبت باشد. ۳- بر آینده دلالت کند. ۴- بین قسم و لام هیچ فاصله‌ای نباشد. همبسطوز در مثال‌های دسته دوم بگوید: تأکید فعل مضارع با نون در صورتی جایز است که: ۱- مسبوق به (بن) شرطیه ادغام شده در (ما) باشد. ۲- مسبوق به نهی، امر و یا استفهام باشد. در پایان نیز بگوید: اما تأکید فعل امر با نون جایز است.

۵- کاربرد و تمرین: ۱۵ دقیقه

ابتدا مدرس بر انجام تمرین شفاهی تکیه می‌کند. مثلاً می‌خواهد تا دانشجویان فعل‌های زیر را تأکید کنند: جاهل - ادرس - لا ترفع صوتک - لا تفع ائی المتخادین - تساهم فی الدفاع عن وطنک. سپس به تمرین کتبی منتقل شده و موارد زیر را مطرح می‌کند.

الف - در عبارتهای زیر مضارع تأکید شده با نون تأکید را مشخص کنید و آنچه را تأکیدش واجب یا ممنوع یا جایز است، ذکر کنید: قال الحاجب يخاطب أهل الكوفة: «بني لأذي رؤوساً قد أبعثت... والله لأخوذنكم حرم السلعة و لا ضربنكم ضرب غرائب الأبله».

ب - فعل‌های زیر را در جملات طوری بکار ببرید که یک بار تأکید آهه واجب و بار دیگر جایز باشد: اداف - يساعد - نجود - تودی.

ج - در جاهای خالی فعل مضارع مناسب قرار دهید: و رب الكفة... واجبی: تالله... عنی الشیطان؛ و الله... ما استودعته من سر.

تکلیف: حل تمرینات کتبی مربوط به درس برای جلسه آینده. پس از انجام حضور و غیاب، مورد تأکید قرار گرفته و با دانشجویان خداحافظی می‌شود.

پاورقی‌ها

- ۱- الرکابی، جودت، طرق تدريس اللغة العربية، الطبعة الثانية، دارالفکر للطباعة و النشر، ۱۹۸۶م، ص ۹.
- ۲- البته در آموزش و پرورش و دانشگاه‌ها، هنوز هم روش‌های سنتی در بعضی از دروس و توسط بعضی از مدرسان اجرا می‌شود.
- ۳- با مراجعه به کتاب‌های عربی دبیرستان و بررسی روش تدوین آن‌ها این ادعا ثابت می‌گردد.
- ۴- الرکابی، طرق تدريس اللغة العربية، پیشین، ص ۵۲.
- ۵- برای اطلاعات بیشتر، ر.ک: رکابی، جودت، روش‌های تدريس زبان و ادبیات عرب، ترجمة صاحبعلی اکبری، چاپ اول، انتشارات آهنگ فلم، ۱۳۸۱، صص ۴۶ به بعد.
- ۶- حکیمی، محمدرضا، ادبیات و تعهد در اسلام، چاپ هشتم، انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۳، ص ۴۳.
- ۷- انیس، ابراهیم و دیگران، المعجم الوسيط، چاپ سوم، انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۷، مادة (علم)، ص ۶۲۴.
- ۸- ابن منظور، لسان العرب، تحقیق علی شیری، چاپ اول، دار احیاء التراث العربی، ۱۹۸۸م، مادة نحا، ج ۱۴، ص ۷۶.
- ۹- جامع الدروس العربية، چاپ دوم، انتشارات ناصر خسرو، بی تا، ج ۱، ص ۵.
- ۱۰- ر.ک: <http://www.ca.ksu.edu.sa/arabic/classes.htm>
- ۱۱- ر.ک: <http://www/ksu.edu.sa/academic/colleges/high/courses.htm>
- ۱۲- همان.
- ۱۳- برای توضیح بیشتر، ر.ک: الرکابی، طرق تدريس اللغة العربية، پیشین، ص ۱۳۵.
- ۱۴- مثال‌ها از: غلابی، مصطفی، جامع الدروس العربية، ج ۱، ص ۵۱، انتخاب شده است.

منابع

- ۱- ابن منظور، لسان العرب، چاپ اول، تحقیق علی شیری، چاپ اول، دار احیاء التراث العربی، ۱۹۸۸ م.
- ۲- آنیس، ابراهیم و دیگران، المعجم الوسیط، چاپ سوم، انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۷.
- ۳- جامع الدروس العربیة، چاپ دوم، انتشارات ناصر خسرو، بی تا.
- ۴- حکیمی، محمدرضا، ادبیات و نهضت در اسلام، چاپ هشتم، انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۳.
- ۵- الوکابی، جودت، طرق تدریس اللغة العربیة، الطبعة الثانية، دارالفکر للطباعة و النشر، ۱۹۸۶ م.
- ۶- روش های تدریس زبان و ادبیات عرب، ترجمه صاحبعلی اکبری، چاپ اول، انتشارات آهنگ قلم، ۱۳۸۰.